



معادل تعرفه‌ای موانع تجاری غیر تعرفه‌ای اعمال شده بر واردات برنج و سیاست تجاری مناسب با آن

میر عبدا. حسینی^۱

چکیده

اصلاحاتی در سیاست تجاری محصولات کشاورزی ایران در برنامه سوم توسعه صورت گرفته، که در دو دهه گذشته کم سابقه بوده است. مقاله حاضر ابتدا تلاش دارد عملکرد گذشته و موجود سیاست تجاری محصولات کشاورزی ایران با تاکید بر واردات برنج را تحلیل و بررسی نماید و آنگاه در شرایط برچیده شدن کلیه موانع و محدودیت‌های تجاری غیر تعرفه‌ای بر واردات برنج، اینکه چه معادل تعرفه‌ای می‌بایستی بر برنج وارداتی جایگزین شود را بررسی می‌نماید. بدین منظور، مقاله حاضر ضمن بررسی سیاست تجاری کشاورزی ایران با محوریت محصول برنج، به برآورد معادل تعرفه‌ای جایگزین کلیه موانع و محدودیت‌های تجاری غیر تعرفه‌ای با استفاده از روش تحقیق مورد استفاده در مذاکرات تجاری دور اروگوئه بر برنج وارداتی کشور طی دوره ۱۳۶۸-۸۲ می‌پردازد. کلید واژه ها: سیاست تجاری، معادل تعرفه‌ای، موانع تجاری غیر تعرفه‌ای، برنامه توسعه کشاورزی، برنج ایران

۱. مقدمه

طی چند دهه اخیر، بکارگیری استراتژی جایگزینی واردات در ایران، به پشتوانه درآمدهای ارزی سرشار نفتی، موجب استفاده وسیع از سیاست‌های حمایتی در ابعاد، اشکال و انواع مختلف آن شده است و این امر در سالهای بعد از انقلاب به سبب بروز جنگ ۸ ساله و شرایط خاص حاکم بر آن دوره شدت یافت. در این میان، سیاست تجاری حمایتی در شکل برقراری تعرفه‌ها و موانع غیر تعرفه‌ای به نحو چشمگیری در بازرگانی خارجی ایران به اجرا درآمد. در پی آن، موقعیت رقابت بین‌المللی و شاخص آزادی اقتصادی ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان کاهش یافت. البته در چند سال اخیر اصلاحات سیاستی و اقتصادی انجام شده، موقعیت رقابتی کشور را اندکی بهبود داده است. در این میان، بسیاری از کشورهای، نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی با هدف ایجاد شفافیت در نظام قیمت‌ها، در صدد حذف موانع تجاری غیر تعرفه‌ای و کاهش چشمگیر موانع تعرفه‌ای برآمده‌اند. ج.ا.ایران نیز حرکت به سوی اصلاح سیاست تجاری حمایتی موجود را با در نظر گرفتن فضای حاکم بر اقتصاد جهانی شروع کرده و در این زمینه گام‌های مهمی برداشته که برای نمونه می‌توان به برنامه‌ها، سیاستها و تصمیمات دولت در تک‌نرخ‌ی کردن ارز، حذف موانع غیر تعرفه‌ای و تبدیل آن به معادلهای تعرفه‌ای (مطابق ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم)، انجام اقداماتی در جهت عضویت در سازمان جهانی تجارت (WTO) و ... اشاره کرد.

^۱ - عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

اصلاح سیاست تجاری کشور به منظور فراهم آوردن فضای رقابتی برای بخشهای مختلف اقتصاد، از جمله کشاورزی است. این اصلاح سیاستی در حالی صورت می‌پذیرد که کشاورزی ایران سالیان درازی تحت تاثیر سیاست تجاری، ارزی، قیمتی و... بعضاً متناقض حمایتی و تبعیضی بوده و این از طریق موانع غیرتعرفه‌ای، تعرفه‌های بالا، نرخهای چندگانه ارز، یارانه نهاده‌ای و... صورت پذیرفته است. با توجه به ساختار قیمتی موجود که توأم با اختلالات شدید می‌باشد و در عین حال وجود انواع حمایتها از کشاورزی از یک سو و برخی محدودیتها و تنظیم قیمتها از سوی دیگر، مشخص نیست که آیا از محصولات کشاورزی بویژه برنج تولید داخلی در واقع حمایتی بعمل می‌آید یا نه؟ و میزان حمایت واقعی از این محصول در چه حدی است؟

حال که اصلاحات اقتصادی و سیاستی بویژه در بخش بازرگانی خارجی کشور در شرف تکوین می‌باشد، به عنوان اولین قدمها، این سؤالات قابل طرح می‌باشد که آیا سیاست تجاری کشاورزی ایران همسوبا انگیزش تولید داخلی محصولات کشاورزی بوده است؟ و اگر کلیه موانع تجاری غیرتعرفه‌ای حمایتی موجود بر واردات محصولات کشاورزی (برنج) ایران برداشته شود، چه تغییری در سطوح فعلی تعرفه‌ها باید صورت داد تا در ابتدا میزان حمایت از تولیدات داخلی در همان وضع قبلی برقرار شود؟ بدین منظور لازم است نرخهای تعرفه معادل کلیه موانع غیرتعرفه‌ای حمایتی واردات محصولات کشاورزی به خصوص، برآورد شود. اطلاعات آماری تحقیق حاضر از نشریات نهادهای متولی تولید آمار نظیر گمرک، مرکز آمار، بانک مرکزی، اداره کل آمار و اطلاعات وزارت جهاد کشاورزی و سازمان خواربار و کشاورزی جهانی (FAO) استخراج شده است.

در تحقیق حاضر، ابتدایه شناسایی و تبیین موانع غیرتعرفه‌ای اعمال شده بر واردات محصولات کشاورزی با تاکید بر برنج پرداخته می‌شود. پس از آن، مروری بر سابقه مطالعات مرتبط، صورت می‌گیرد. در ادامه، نتایج حاصل از محاسبه معادل تعرفه‌ای و شناسایی موانع غیرتعرفه‌ای مورد شناسایی مورد بحث قرار گرفته و آنگاه میزان تعرفه‌های معادل برنج وارداتی کشور برای دوره زمانی ۱۳۶۸-۸۰ باروش تحقیق استفاده شده در مذاکرات تجاری دور اروگوئه ارائه و پایان مباحث ارائه شده، جمع‌بندی و پیشنهادها و توصیه‌های سیاستی ارائه می‌شود.

۲- مفاهیم و چارچوب نظری موانع غیرتعرفه‌ای

موفقیت ادوار مذاکرات تجاری GATT تا دور اروگوئه در کاهش محدودیتها و موانع تعرفه‌ای سبب شد تا کشورهای توسعه یافته در واکنش به آن طی عکس‌العملی در آن دوره، ساختار موانع مرزی خود را براساس موانع غیرتعرفه‌ای بازسازی نمایند. بدین ترتیب ساختار حمایت مرزی در کشورهای توسعه یافته - و به تبع آنها کشورهای در حال توسعه - به ترکیب پیچیده‌ای از موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تبدیل شده است (WinKelman, 1997). مطالعات بانک جهانی و انکتاد (World Bank & UNCTAD) نشان می‌دهد که کشورهای توسعه یافته در تجارت

با کشورهای در حال توسعه به نسبت بیشتری از موانع غیرتعرفه‌ای استفاده می‌کنند. بنحوی که در سال ۱۹۹۲، ۱۸/۴ درصد از صادرات کشورهای در حال توسعه به کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) مشمول موانع غیرتعرفه‌ای بود و در مقابل، تنها ۱۰/۴ درصد از صادرات کشورهای صنعتی مشمول چنین موانعی بوده است (Low & Yeats, 1995). به علاوه، آنها تخمین می‌زنند که حدود یک پنجم از محصولات کشاورزی که از سوی کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته، صادر شده‌اند با مانع غیرتعرفه‌ای مواجه بوده‌اند، این در حالی است که کشورهای توسعه یافته واردکننده دو سوم محصولات کشاورزی جهان هستند (Ingco, 1996). چنین گستردگی سبب شد تا در دور مذاکرات تجاری اروگوئه بخشی از موافقتنامه کشاورزی به موانع غیرتعرفه‌ای اختصاص یابد (راهنمای تجاری دور اروگوئه، ۳۰۹) و ناگفته‌نماند در دور دوحه و کانکون نیز توجه جدی به این مقوله شده است. پس از چند دهه از تحت شمول قرار نگرفتن کشاورزی در ادوار مختلف مذاکرات تجاری گات، در دور اروگوئه نه تنها سیاست‌های مرزی تجارت کشاورزی، بلکه سیاست حمایت از تولیدات آن در فهرست مذاکرات قرار گرفت. در ریشه‌یابی دلایل چنین رویکردی، با جمع‌بندی نظرات صاحب‌نظران (Maccalla, 1993)، (Rayner, et al 1993) و (Gayomard et al. 1993) می‌توان کاهش شدید قیمت و مازاد تولید فراوان محصولات کشاورزی طی دهه ۱۹۸۰، کاهش سهم ایالات متحده از تجارت محصولات کشاورزی و افزایش اختلاف بین شرکای عمده تجاری در خصوص افزایش استفاده از یارانه صادرات و موانع وارداتی، هزینه سنگین حمایت از کشاورزی در کشورهای توسعه یافته، فشار بی‌رویه بر محیط زیست، کامل نبودن پوشش GATT بدون حضور محصولات کشاورزی^۱، کم هزینه‌تر بودن آزادسازی چندجانبه و ... را برشمرد (کمپجانی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۱).

بر اساس توافق انجام گرفته در حوزه حمایت داخلی، مقرر شده که کشورهای توسعه یافته طی دوره‌ای ۶ ساله منتهی به سال ۲۰۰۰ میلادی، مجموع حمایت‌های داخلی را از بخش کشاورزی خود ۲۰ درصد کاهش دهند. به منظور کمک به کشورهای در حال توسعه، این تعهدات کاهش می‌باید طی دوره‌ای ده ساله و به میزان ۱۳/۳ درصد صورت گیرد. در حوزه یارانه‌های صادراتی نیز کشورهای متعاقد موظف‌اند حجم صادرات برخوردار از یارانه و کل هزینه یارانه صادراتی خود را کاهش دهند. حوزه دسترسی به بازار، که سیاست‌های مرزی کشورهای متعاقد را تحت پوشش قرار می‌دهد، خود شامل سه تعهد است: تعرفه‌ای کردن موانع تجاری، کاهش تعرفه و حداقل فرصت‌های دسترسی به

^۱ - بر این اساس، مذاکره پیرامون تجارت مرز - کشاورزی در دور تجاری اروگوئه صورت گرفت که در فوریه ۱۹۸۷ شروع - سرانجام در «سپتامبر ۱۹۹۳» نتایج حاصل از آن به امضای کشورهای شرکت کننده در مذاکرات رسید. موافقتنامه کشاورزی یکی از موافقتنامه‌های حاصله از دور اروگوئه حوزی سیزده قسمت، بیست و یک ماده، پنج ضمیمه و یک پیوست می‌باشد. با نگاهی اجمالی بر محتوای موافقتنامه کشاورزی می‌توان دریافت که سبایل مربوط به تجارت کشاورزی در موافقتنامه به سه حوزه دسترسی به بازار، حمایت داخلی و یارانه‌های صادراتی، تقسیم شده است. بحث دسترسی به بازار، شامل سه تعهد تعرفه‌ای کردن، کاهش تعرفه‌ها و فرصت‌های حداقل دسترسی به بازار می‌باشد.

بازار. در این حوزه^۱، اعضا متعهد شده‌اند نخست کلیه اقدامات غیرتعرفه‌ای خود را اعم از محدودیتهای کمی واردات^۲، مالیاتهای متغیر وارداتی^۳، حداقل قیمت‌های وارداتی^۴، اعطای مجوز وارداتی احتیاطی، اقدامات غیرتعرفه‌ای از طریق شرکتهای تجاری دولتی^۵، محدودیتهای داوطلبانه صادراتی^۶ و سایر اقدامات به عمل آمده در مرزها را به غیر از عوارض گمرکی، به تعرفه تبدیل کنند، آنگاه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در تعهد مربوط به کاهش تعرفه‌های خود معادل تعرفه‌ای محاسبه شده را به ترتیب طی دوره‌های ۶ و ۱۰ ساله به میزان ۳۶ و ۲۴ درصد کاهش دهند. به منظور جلوگیری از ایجاد موانع جدید بر سر راه گسترش تجارت، اعضا موظفند در چارچوب تعهد دسترسی به بازار، حداقل موقعیت دسترسی به بازار را در سطح فعلی حفظ کنند. در مورد محصولاتی که واردات آنها ناچیز است و یا به طور کلی وارداتی انجام نمی‌گیرد، حداقل دسترسی به بازار در سطح ۳ درصد مصرف کشور تعیین می‌شود؛ این میزان در مدت ۶ سال به ۵ درصد خواهد رسید. هر چند اینگکو تاثیر حداقل دسترسی بر گشایش بازار را با توجه به اصل کامله‌الوداد^۷ ناچیز می‌داند (Ingco, 1996) اما لازم است تا سطح حداقل دسترسی، قبل از تعرفه‌ای کردن مشخص شود؛ زیرا این مقدار بعد از تعرفه‌ای کردن به عنوان حداقل مقدار قابل قبول برای استفاده از مقررات حفاظتی مورد توجه قرار می‌گیرد.

شایان توجه است با وجودی که تجارت آزاد رفاه جهانی را حداکثر می‌کند و دلایلی قوی بر له برقراری تجارت آزاد ارایه شده، باز هم بسیاری از کشورها، انواع محدودیتهای تجاری^۸ را وضع می‌کنند. به همین دلیل همچنان اعمال موانع تجاری در جهان معمول و رایج است. در مقابل دلایل مدافعان تجارت آزاد، دلایل متعددی از سوی طرفداران سیاست تجاری ارائه شده که عبارت‌است از: حمایت از صنایع نوزاد (نویا)، منشاء درآمد برای دولت، بهبود رابطه مبادله، مبارزه با دامپینگ^۹، امنیت ملی، بهبود وضعیت اشتغال و ترازپرداخت‌ها، حمایت از مواد غذایی اساسی و... والتر در تعریفی گسترده هر اقدامی را که حجم و جهت تجارت را مختل کند مانع غیرتعرفه‌ای می‌نامد (Walter, 1972). این تعریف به قدری گسترده است که حتی تعرفه را نیز در بر می‌گیرد، زیرا تعرفه نیز حجم تجارت را مختل می‌سازد. بدون شک چنین تعریفی از موانع غیرتعرفه‌ای، مورد نظر طرفهای مذاکره کننده در دور اوروگوئه نبوده

۱. در حوزه دسترسی به بازار، سه موضوع تعرفه‌ای کردن موانع غیرتعرفه‌ای، کاهش معادل تعرفه‌ای در یک دوره زمانی مشخص و ایجاد تضمین مناسب برای حداقل دسترسی، مورد توجه قرار گرفته است.

۲. Quantitative Restrictions

۳. Variable Levies

۴. Minimum Price

۵. Non Tariff Measures Maintained Through State Trading Enterprises

۶. Voluntary Export Restrictions

۷. Most Favoured Nation (MFN)

۸. محدودیتهای تجاری بطور کلی شامل محدودیتهای تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای است. مهمترین نوع محدودیت تجاری، تعرفه است.

۹. Dumping

است. بالدوین در تعریف دقیقتری، توجه خود را به درآمد حقیقی معطوف می‌کند. او مانع غیرتعرفه‌ای را چنین تعریف می‌کند: هر اقدامی که با تخصیص مجدد منابع و کالاها باعث کاهش درآمد حقیقی جهانی شود به منزله یک مانع غیرتعرفه‌ای تلقی می‌گردد (Baldwin, 1970). البته دقیق‌ترین تعریف را در این زمینه هیلمن ارائه داده است؛ او هر اقدام دولتی را به جز تعرفه که مستقیماً مانع ورود کالا به یک کشور شود، یا به صورت تبعیض‌آمیز در مورد کالاهای وارداتی عمل کند، مانع غیرتعرفه‌ای می‌داند (Hillman, 1991). تعریف هیلمن دو بخش به نسبت جدا دارد: بخش اول مربوط به سیاستهایی است که مانع ورود کالا به یک کشور می‌شود و تقریباً هم‌راستا با تعریف والتز است، با این تفاوت که هیلمن با تأکید بر دولتی بودن اقدامات غیرتعرفه‌ای دامنه شمول محدودتری را مورد توجه قرار می‌دهد. بخش دوم، عنصر جدیدی را برای شناسایی موانع غیرتعرفه‌ای معرفی می‌کند و آن رفتار تبعیض‌آمیز بوده است. در بررسی کلی، معیارهای کنترل تجارت مطابق سیستم کدگذاری آنکناد، این‌گونه معیارها مطابق ماهیت‌شان طبقه‌بندی شده‌اند. طبقه‌بندی آنکناد بشرح زیر می‌باشد:

معیارهای تعرفه‌ای	۱۰۰۰
هزاره، گرمی، لتری	۱۱۰۰
عروض دولت کلمپولود (MFN)	۱۲۰۰
سخت، عوارض موافقتنامه عمومی، تعرفه و لغت (GATT)	۱۳۰۰
عوارض تعرفه سیمیهای	۱۴۰۰
عوارض، همتی	۱۵۰۰
عوارض کاهش قیمت	۱۶۰۰
عوارض افزایش دولت	۱۷۰۰
عوارض گرمی تحت موافقتنامه عمومی (تجزیه‌ناپذیر)	۱۸۰۰
سایر معیارهای تعرفه‌ای	۱۹۰۰
معیارهای شبه تعرفه	۲۰۰۰
هزینه حمل، گرمی	۲۱۰۰
هزینه حمل	۲۲۰۰
مطابقهای داخلی، مطابقهای وضع شده بر ولادت	۲۳۰۰
لوزی، دستور گرمی	۲۴۰۰
سایر معیارهای شبه تعرفه	۲۹۰۰
معیارهای کنترل قیمت	۳۰۰۰
معیارهای لیزایی	۳۱۰۰
محدودیت، موافقتنامه قیمت صادراتی	۳۲۰۰
هزینه‌های متغیر	۳۳۰۰
معیارهای ضد احتیج	۳۴۰۰
معیارهای تالی، موافقتنامه (تجزیه‌ناپذیر)	۳۵۰۰
سایر معیارهای کنترل قیمت	۳۹۰۰
معیارهای نامین مالی	۴۰۰۰
نهاد ازوم پرداخت اعتباری	۴۱۰۰
نرخ بندگانه ارز	۴۲۰۰
محدودیت در تخصیص، ارزانه نرخ رسمی	۴۳۰۰
شرایط مربوط به شرایط پرداختی و لوزی	۴۵۰۰
تخصیص در انتخابات (نوبت بندی انتخابات)	۴۶۰۰
دیگر معیارهای نامین مالی	۴۹۰۰
معیارهای اداری، مجوز خودکار	۵۰۰۰
مجوز خودکار	۵۱۰۰

کنترل واردات از طریق مجوزهای ورود	۵۳۰۰
ارایه درخواست	۵۷۰۰
سایر مجوزهای مورد خود کار	۵۹۰۰
مجازهای کنترل مقادیر	۶۰۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۶۱۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۶۲۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۶۳۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۶۴۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۶۵۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۶۶۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۶۷۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۶۸۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۶۹۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۷۰۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۷۱۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۷۲۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۷۳۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۷۴۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۷۵۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۷۶۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۷۷۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۷۸۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۷۹۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۸۰۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۸۱۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۸۲۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۸۳۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۸۴۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۸۵۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۸۶۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۸۷۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۸۸۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۸۹۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۹۰۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۹۱۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۹۲۰۰
محدودیت‌های کنترل مقادیر	۹۳۰۰

منبع: UNCTAD.2001

۳- شناسایی موانع غیر تعرفه‌ای اعمال شده بر واردات برنج

در مطالعه حاضر پس از بررسی کلیه قوانین و مقررات مصوب و بخشنامه‌های ابلاغی درخصوص واردات برنج، معادل تعرفه‌ای محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای اعمال شده بر واردات این محصول طی دوره زمانی ۸۰-۱۳۷۸ محاسبه و نتایج آن آرایه شده است. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد انواع محدودیت تجاری غیرتعرفه‌ای بر واردات محصول برنج ایران، اعمال می‌شود که برخی از موارد زیر از مصادیق آن است: تجارت دولتی، محدودیت‌های کیفی، نوع بسته‌بندی، محدودیت بهداشتی، محدودیت مقداری، تبعیض در واردات، محدودیت در زمان ورود کالا، واردات در مقابل صادرات کالای مجاز، واردات منوط به خرید داخلی، محدودیت واردات به مبادی ورودی خاص، تخصیص ارز با نرخهای متفاوت و بررسی قیمت ورودی. قسمت مهمی از موارد فوق همچنان بر واردات برنج موضوعیت دارد. در ادامه، به منظور شفافیت مفهوم هریک از محدودیت‌های فوق، توضیحاتی آرایه می‌شود:

تجارت دولتی: منظور محدودیتی است که قانون‌گذار ورود کالا را فقط در انحصار دولت قرار داده باشد. در مورد برخی از محصولات اساسی کشاورزی عملاً دولت یا شرکتهای بازرگانی دولتی تنها واردکننده آن کالا هستند. البته در صورتی که الزام قانونی در این مورد وجود نداشته باشد فرض شده که چنین محدودیتی وجود ندارد^۱.

محدودیت کیفی: محدودیتی است که براساس آن، کالای وارداتی باید دارای کیفیت مشخصی باشد.

نوع بسته‌بندی: محدودیتی است که براساس آن قانون‌گذار صرفاً اجازه ورود کالا در بسته‌بندی خاصی را صادر نماید و یا نوع خاصی از بسته‌بندی را بسته‌بندی غیر مجاز تلقی کند.

محدودیت بهداشتی: محدودیتی است که براساس آن کالاهای وارداتی باید ویژگیهای بهداشتی خاصی را دارا باشند.

محدودیت مقداری: محدودیتی است که براساس آن قانون‌گذار کل مقدار ورود کالا را تحت کنترل قرار می‌دهد. از آنجا که ورود اغلب محصولات کشاورزی در کشور نیازمند دریافت مجوز است. بنابراین همواره دولت امکان یافته، مقدار واردات کالا را کنترل نماید.

تبعیض در واردات: بعضاً قانون‌گذار بین واردکننده دولتی و غیردولتی تفاوت قابل شده و برای واردکنندگان دولتی تسهیلاتی را فراهم نموده است.

محدودیت در زمان ورود: محدودیتی است که براساس آن قانون‌گذار ورود کالا در محدوده زمانی مشخصی را ممنوع می‌کند. واردات در مقابل صادرات: براساس این محدودیت واردکننده قبل از ورود کالا ملزم به صدور دیگر کالاهای مجاز هستند. واردات منوط به خرید داخلی: در این محدودیت، قانون‌گذار واردکنندگان را ملزم می‌کند که در ازای انجام واردات مقدار مشخص از کالا، مقدار معینی از کالای مشابه داخلی را که احتمالاً از کیفیت پایین‌تری برخوردار است، خریداری نمایند. محل ورود: ورود کالا فقط از مبادی مشخصی / خاصی امکان‌پذیر است.

ارز متفاوت: براساس این محدودیت، قانون‌گذار اجازه داده تا ارزش کالاهای مشابه وارد شده توسط بخش دولتی و خصوصی برای دریافت تعرفه بر اساس نرخ ارزهای متفاوت محاسبه شوند و یا اجازه تخصیص ارز به قیمت نرخ ارز ترجیحی (ارزان) یا نرخ ارز بازار آزاد (گران) به کالاهای مختلفی می‌دهد.

بررسی قیمت: براساس این محدودیت قیمت کالاهای وارداتی باید به تأیید مرجع قانونی خاصی رسانده شود.

واردات برنج با محدودیتهای غیرتعرفه‌ای متعددی مواجه است که می‌توان موارد زیر را برشمرد: رعایت ماده ۱۱ قانون حفظ نباتات مصوب ۱۳۴۶، معاف بودن واردات دولتی از سود بازرگانی، برخورداری از نرخ ارز متفاوت، محدودیت در زمان ورود، محدودیت بهداشتی و محدودیت مقداری

^۱ - برای مثال تجارت گندم در تمام دوره یاد شده دولتی بوده، ولی تنها در قنون سال ۱۳۶۵ چنین الزامی قید شده است و بنابراین در ردیفهای دیگر جدول مربوط به گندم، علامت قید نگردیده است.

۴- روش تحقیق

هرچند در پیوست ضمیمه شماره ۵ موافقتنامه کشاورزی گات، اصول محاسبه معادل تعرفه‌ای و تفاوت بین قیمت داخلی و جهانی به عنوان معیار تعیین معادل تعرفه‌ای مشخص و تعریف شده است، اما گروه مذاکره کننده در خصوص دسترسی به بازار در ضمیمه شماره ۳ سند امضاء شده در آوریل ۱۹۹۳، روش محاسبه را با تفصیل بیشتری شرح داده و فرمول زیر را برای محاسبه معادل تعرفه‌ای ارائه کرده است:

$$T_s = P_d - (P_w \times e) \quad (1)$$

که در آن، T_s معادل تعرفه ویژه^۲، P_d قیمت عمده فروشی محصول در داخل کشور واردکننده، P_w قیمت سیف^۳ کشور وارد کننده یا قیمت فوب^۴ کشور صادرکننده عمده به همراه هزینه حمل و نقل و بیمه و e نرخ ارز آزاد است.

سامنر در مقاله‌ای ضمن مروری بر مفاد موافقتنامه کشاورزی، به شیوه‌ی تعیین معادل تعرفه‌ای اشاره کرده و نوشته است: ... با این همه، تعرفه‌ای کردن- حداقل در عمل- نه شفاف است و نه آسان، زیرا دسترسی به قیمت‌های داخلی و قیمت‌های مرجع خارجی وجود ندارد. کیفیت‌های متفاوت، شیوه‌های گوناگون طبقه‌بندی و دسته‌بندی کالا نیز این مشکل

رامضاعف می‌سازد. اوسپس فرمول زیر را برای معادل تعرفه‌ای ارائه می‌کند: (۲) $T_{ad} = [(P_d - P_w \times e) / (P_w \times e)] \times 100$

که در آن: T_{ad} معادل تعرفه ارزشی^۵؛ P_d قیمت عمده فروشی محصول در کشور؛ P_w قیمت سیف وارداتی و e نرخ ارز آزاد است (Summer, 1992).

اینگکو با دقت زیادی شیوه تعرفه‌ای کردن در دورارگونه را بررسی کرده و برای محاسبه عملی معادل تعرفه‌ای تلاش می‌کند تا مشکلات مورد اشاره را به روش منطقی حل کند. او ضمن تأیید فرمول گات و سامنر برای حل مشکل کیفیت‌های متفاوت، پیشنهاد می‌کند که به جای تفاوت قیمت محصول داخلی و خارجی می‌توان از تفاوت قیمت کالای وارداتی در کشور و قیمت سیاهه فروش^۶ آن استفاده کرد (Ingco, 1996). صندوق بین‌المللی پول^۷ همچون یتنس (۱۹۹۶) به تفاوت محاسبه معادل تعرفه‌ای براساس تعرفه ویژه و ارزشی توجه کرده است. از آنجا که ارزش هر

^۱ - به طور کلی بر چهار قسمت و بیست و چهار فصل مربوط به کشاورزی علاوه بر موازین و شرایط عمومی مربوط به اخذ مجوز ورود و نظایر آن، موانع

غیرتعرفه‌ای زیر مطابق مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۸۱ اعمال می‌شود.

^۲ . Specific Tariff

^۳ . Cost, Insurance and Freight (C.I.F.) به اضافه هزینه بیمه و حمل

^۴ . Free on Board (F.O.B.) تحویل روی عرشه کشتی در نقطه بارگیری

^۵ . Ad Valorem Tariff

^۶ . Invoice Price

^۷ یا این حال در محاسبه معادل تعرفه‌ای برخی از محصولات کشاورزی در ۱۱ کشور صنعتی و ۱۰ کشور در حال توسعه حتی گاه به دلیل عدم دسترسی به قیمت عمده

فروشی داخلی اجباراً از قیمت تولیدکننده استفاده شده است.

^۸ . International Monetary Fund (I.M.F)

واحد کالای صادراتی کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته کمتر است، تعرفه ویژه آن بیشتر از تعرفه ارزشی است. این امر خود می‌تواند مفیدی برای استفاده از شیوه تعرفه‌ای کردن محیطانه باشد (I.M.F., 1996).

در مطالعه حاضر برای محاسبه معادل تعرفه‌ای، از معادل تعرفه‌ای ویژه (T_S) و معادل تعرفه ارزشی (T_{ad}) با توجه به ساختار سیستم تعرفه‌ای کشور برای محصول کشاورزی مبادله‌ای وارداتی جانشین تولید داخلی - برنج - استفاده شده است. قبل از آن که به تحلیل نتایج مربوط به معادل تعرفه‌ای آن محصول مبادرت شود. مطابق فرمولهای ارایه شده در صفحات قبلی، فرایند محاسبات معادل تعرفه‌ای ویژه و ارزشی صورت گرفته است.

۵- نتایج تحقیق

بر اساس نتایج حاصل از محاسبه معادل تعرفه‌ای کلیه موانع و محدودیتهای تجاری اعمال شده بر واردات برنج، متوسط سالانه معادل تعرفه‌ای واردات آن محصول برای دوره زمانی (۱۳۸۰-۱۳۶۸)، رقم ۷/۲۸ درصد به دست آمده است که گویای آن است که علی‌رغم اعمال انواع محدودیتهای تجاری بر واردات برنج، از تولد داخلی آن حمایتی به عمل نیامده است. گفتنی است معادل تعرفه‌ای واردات برنج طی دوره از ۲۸/۵۵ - درصد در سال ۱۳۶۸ به ۵۰/۹۶ درصد در سال ۱۳۸۰ رو به افزایش گذاشته است و به این ترتیب در سال ۱۳۸۰ از تولید داخلی برنج حمایت تجاری به میزان ۵۰/۹۶ به عمل آمده است؛ به دیگر بیان، اگر در سال ۱۳۶۸ از واردات هر یک کیلوگرم برنج، ۱۷۱/۹ ریال معادل تعرفه‌ای ویژه (حمایت منفی) اعمال می‌شد، آن رقم در سال ۱۳۸۰ به رقم ۱۱۱۰/۱۵ ریال به ازای هر کیلوگرم واردات بهبود یافته است. طی سالهای مورد بحث نیز معادل تعرفه‌ای آن محصول همواره با نوسان رو به افزایش گذاشته و در طی سالهای بعد از ۱۳۷۷ مثبت شده است که در ذکر علل بهبود آن، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اول اینکه، قیمت عمده فروشی داخلی برنج در طی دوره مورد بحث رو به افزایش گذاشته و متعاقب آن، معادل تعرفه‌ای واردات آن محصول نیز افزایش یافته است. ضمناً شاخص قیمت عمده فروشی آن محصول (به سال پایه ۱۰۰=۱۳۷۶) از رقم ۲۷/۶۱ در سال ۱۳۶۸ به رقم ۲۱۱/۰۷ در سال ۱۳۸۰، حدود ۷/۶۴ برابر افزایش یافته است. دوم اینکه، رابطه‌ای معکوس بین قیمت سیف وارداتی و معادل تعرفه‌ای محاسبه شده برای آن محصول وجود دارد. به عبارتی با افزایش قیمت سیف وارداتی، معادل تعرفه‌ای محاسبه شده برای آن محصول رو به بهبود می‌گذارد. برای مثال طی دوره مورد بحث، حد بالای قیمت سیف وارداتی برنج به رقم ۸۷ سنت به ازای هر کیلوگرم به سال ۱۳۷۱ تعلق داشته و معادل تعرفه‌ای آن سال در مقایسه با دیگر سالها، رقم چشمگیر منفی (۶۱/۰۵ - درصد) بوده است.

سوم اینکه طی دوره، با گرانتر شدن ارز، معادل تعرفه‌ای واردات برنج تغییر یافته است؛ برای مثال، طی سالهای ۸۰-۱۳۶۸ ارزش خارجی پول ملی در بازار آزاد از ۱۲۰۷ در سال ۱۳۶۸ به ۸۰۰۸ ریال به ازای یک دلار، حدود ۶/۷ برابر تضعیف شده و متعاقب گران شدن ارز، معادل تعرفه‌ای ارزشی نیز بهبود چشمگیری را شاهد بوده است؛ چرا که با افزایش بهای ارز، واردات آن محصول برای کشور گرانتر تمام شده و آنگاه انگیزه تولیدکننده داخلی تقویت شده است. دقت شود که با افزایش قیمت ارز فاصله قیمت داخلی و خارجی کالاهای وارداتی نیز کمتر می‌شود.

جدول شماره (۱): معادل تعرفه‌ای ویژه ارزشی واردات برنج طی سالهای ۸۰-۱۳۶۸

شرح	تعرفه گمرکی (صحت حقوق سود)	شانص قیمت عسلدقروشی	میزان واردات (متر تن)	متوسط قیمت سبب وارداتی (دلار به کیلوگرم)	معادل تعرفه ویژه (ریال به کیلوگرم)	معادل تعرفه ارزشی (درصد)
۱۳۶۸	۰	۲۷/۶۱	۸۷۲/۴۶	۰/۵۰	-۱۷۱/۹	-۲۸/۵۵
۱۳۶۹	۰	۲۷/۱۰	۷۹۲/۵۹	۰/۳۸	-۱۱۱/۵۹	-۲۰/۹۰
۱۳۷۰	۰	۲۸/۳۱	۵۵۹/۴	۰/۴۲	-۱۶۰/۵۷	-۲۶/۶۹
۱۳۷۱	۰	۳۷/۵۴	۸۷۳/۲۹	۰/۴۴	-۷۷/۴۱	-۱۱/۶۹
۱۳۷۲	۵	۳۹/۳۵	۷۱۶/۶۸	۰/۸۷	-۹۶۰/۷۷	-۶۱/۰۵
۱۳۷۳	۵	۵۱/۳۷	۴۹۳/۸۸	۰/۳۵	-۱۲۱/۵۵	-۱۳/۱۵
۱۳۷۴	۵	۱۱۲/۱۰	۱۰۱۸/۵۹	۰/۳۹	۱۶۹/۱۱	۱۰/۷۲
۱۳۷۵	۵	۹۷/۴	۹۱۵/۲۳	۰/۵۲	-۷۸۹/۱۴	-۳۴/۲۱
۱۳۷۶	۵	۱۰۰	۶۳۷/۵	۰/۳۹	-۲۸۴/۱۸	-۱۵/۲۳
۱۳۷۷	۵	۱۶۰/۲۸	۶۳۱/۳	۰/۳۳	۳۵۰/۲۰	۱۶/۳۱
۱۳۷۸	۱۳	۴۰۰/۳۲	۱۰۲۱/۸	۰/۳۲	۳۵۹/۳۹	۱۳/۰۱
۱۳۷۹	۱۲	۱۹۲/۴۴	۱۱۶۷/۲	۰/۲۹	۶۱۸/۷۳	۲۶/۰۰
۱۳۸۰	۱۳	۳۱۱/۰۷	۶۹۸/۹	۰/۲۷	۱۱۱۰/۱۵	۵۰/۹۶
۱۳۸۱		۲۶۸/۴۴x	۱۰۴۷/۵	۰/۳۷۹	--	--
۱۳۸۲		--	۸۷۵/۰۲	۰/۲۸۸	--	--

منابع: نتایج حاصل از تحقیق

در سال ۱۳۸۳ واردات برنج - با کد HS چهار رقمی به شماره ۱۰۰۶ - توسط دولت به میزان مصرف شورای اقتصاد تنها حقوق گمرکی (پایه) ۴ درصد، توسط بخش غیر دولتی ۹۶ درصد سود بازرگانی تعلق می‌گرفت.

۳-۶ مقایسه تطبیقی معادل تعرفه‌ای منتخبی از محصولات کشاورزی با برنج وارداتی ایران

نتایج حاصل از محاسبات مربوط به معادل تعرفه‌ای موانع غیرتعرفه‌ای به دو صورت ویژه و ارزشی برای منتخبی از محصولات کشاورزی در سالهای ۱۳۶۸ الی ۱۳۸۰ و کل دوره ۸۱-۱۳۶۸ در جدول ۳ و ۲ درج شده که گویای آن است که؛

۱. موانع تعرفه‌ای اسمی اعمال شده بر واردات منتخبی از محصولات کشاورزی طی سالهای ۸۰-۱۳۶۸ با افزایش نرخ تعرفه محصولاتی که از نرخ تعرفه پایین‌تر، و با کاهش تعرفه محصولاتی که از نرخ تعرفه بالاتری برخوردار بوده اند، منطقی‌تر شده است. همچنین با اصلاحات صورت گرفته در موانع غیرتعرفه‌ای به خصوص کاسته شدن از شکاف

نرخ ارز مبنای تعرفه با نرخ ارز بازار آزاد، تجميع مجوزهای چندگانه در مجوزی واحد، کاسته شدن از تعداد کدهای ممنوع الورد، کاهش دامنه فعالیت، انحلال یا ادغام موسسات تجاری دولتی و ... موانع تعرفه‌ای پائین به ارقام مناسبتری افزایش یافته‌اند. موانع تعرفه‌ای بالا برای تعداد محدودی از محصولات رو به کاهش گذاشته‌اند.

۲. معادل تعرفه‌ای موانع غیرتعرفه‌ای برای کلیه محصولات کشاورزی منتخب در سال ۱۳۶۸، منفی بوده است که از تمامی این محصولات حمایت منفی پیش از ۶۰ درصد صورت گرفته است. این در شرایطی بوده است که طی دوره ۸۰-۱۳۶۸ سیاست تجاری، قیمتی و ارزی مرتبط با این محصولات منطقی‌تر شده است به نحوی که نتایج حاصل از محاسبه معادل تعرفه‌ای آن محصولات برای سال ۱۳۸۰ گویای آن است که معادل تعرفه‌ای موانع غیرتعرفه‌ای بسیاری از محصولات منتخب مثبت شده، اما همچنان معادل تعرفه‌ای تعدادی محصول کشاورزی منفی است. همان طور که قبلاً نیز اشاره گردید معادل تعرفه‌ای تمامی محصولات کشاورزی منتخب طی سالهای ۸۰-۱۳۶۸ بهبود چشمگیری یافت و در این میان، معادل تعرفه‌ای بسیاری از محصولات بیش از ۵۰ درصد افزایش، و حتی در مورد برخی از محصولات تفاوت معادل تعرفه‌ای در سال ۱۳۸۰ در مقایسه با ۱۳۶۸ بیش از ۷۵ درصد بهبود یافت.

۳. از مقایسه معادل تعرفه‌ای با موانع تعرفه‌ای اسمی اعمال شده بر واردات محصولات کشاورزی منتخب نتیجه می‌شود که هر دو ابزار سیاست تجاری طی دوره زمانی ۸۰-۱۳۶۸ منطقی‌تر شده‌اند، اما معادل تعرفه‌ای محاسبه شده نماینده واقعی کل موانع تعرفه‌ای نبوده است. برای نمونه با وجود آنکه برای محصولات کشاورزی نظیر نخود، پیاز و سیب‌زمینی موانع تعرفه‌ای اسمی بیش از ۴۰ درصد در سال ۱۳۸۰ اعمال شده است ولی معادل تعرفه‌ای تمامی محصولات فوق منفی است، برعکس با وجود آنکه معادل تعرفه‌ای محاسبه شده برای محصولاتی نظیر برنج بیش از ۵۰ درصد بوده، کل موانع تعرفه‌ای اسمی اعمال شده آنها زیر ۲۰ درصد بوده است. این مقایسه برای کل دوره زمانی ۸۰-۱۳۶۸ نیز موضوعیت دارد. در واقع موانع تعرفه‌ای اسمی بالا برای این محصولات گویای معادل تعرفه‌ای بالا برای آن محصولات نبوده است و موانع غیرتعرفه‌ای به خصوص واردات توسط موسسات تجاری دولتی، ممنوعیت‌ها، نرخ ارز استفاده شده در مبنای موانع تعرفه‌ای، معافیت‌های تعرفه‌ای، دخالت‌های دولت در بازار داخلی محصولات کشاورزی و ... این سازگاری را به شدت تحت الشعاع قرار داده است.

۴. اطلاعات مربوط به واردات نشان می‌دهد که بخش مهمی از مصرف محصولات کشاورزی منتخب از واردات تامین می‌شود. طی سالهای ۸۰-۱۳۶۸ متوسط میزان واردات محصولات کشاورزی شامل گندم (۱۴۳۸۸)، ذرت دانه‌ای (۱۱۳۲/۱)، برنج (۷۸۴/۶)، شکر (۸۱۵/۶)، روغن سویا (۵۴۰/۵) و جو (۴۸۲) هزار تن قابل ملاحظه بوده است که نشان می‌دهد سهم مهمی از عرضه داخلی از محل واردات فراهم شده است. برای محصولات کشاورزی مورد بحث که در گروه محصولات جانشین واردات قرار دارند، حقوق گمرکی و سود بازرگانی رقم چشمگیری نبوده است، بلکه

مهمترین محدودیت تجاری در مورد آنها موانع غیر تعرفه‌ای نظیر سهمیه‌بندی واردات، مجوزهای وارداتی و موسسات تجاری دولتی واردکننده و نرخ ارز چندگانه بوده است. موانع غیر تعرفه‌ای فوق محدودیت هزینه‌ای برای واردات آن محصولات محسوب نشده و برای اغلب آن محصولات معادل تعرفه‌ای موانع و محدودیتهای تجاری، رقم منفی بوده است. به منظور منطقی شدن سیاست تجاری، حذف کلیه محدودیتهای تجاری غیر تعرفه‌ای حمایتی، الزامی است، منتهی به شرطی که ۳ مولفه کلیدی معادل تعرفه‌ای در سیاست‌گذاری قیمتی، ارزی و تجاری بنحوی باشد که حتی المقدور حمایت مرزی مناسبی از محصولات کشاورزی مبادله‌ای جانشینی واردات صورت گرفته باشد و نه اینکه برآیند آن سه سیاست مالیات ضمنی از تولیدات کشاورزی محسوب شود.

جدول شماره (۲). میزان دسترسی به بازار داخلی، موانع تعرفه‌ای اساسی منتخبی از محصولات کشاورزی طی سالهای ۱۳۶۸-۸۰

شرح کالا	HS	BTN	کل موانع تعرفه‌ای										
			۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	حدائق	دسترسی به بازار داخلی (هزار تن)				
پياز			۵	۱۵	۸۰	۴۰/۷۷	۸۰	۱۳۶۸	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	۱۳۶۸-۸۰	حداکتر	حدائق
سیبزمینی			۵	۱۵	۸۵	۴۳/۰۸	۸۵	۱۳۶۸	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	۱۳۶۸-۸۰	حداکتر	حدائق
جای	۰۹۰۲/۴۰	۰۹۰۲/۴۰	۴۰	۵	۱۵	۱۸۰/۸	۴۰	۱۳۶۸	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	۱۳۶۸-۸۰	حداکتر	حدائق
فلفل	۰۹۰۴/۲۰	۰۹۰۴/۲۰	۲۵۰	۱۵	۲۵۰	۹۳/۰۸	۲۵۰	۱۳۶۸	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	۱۳۶۸-۸۰	حداکتر	حدائق
گندم سخت	۱۰۰۱/۱۰	۱۰۰۱/۱۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۳۶۸	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	۱۳۶۸-۸۰	حداکتر	حدائق
جو	۱۰۰۳/۰۰	۱۰۰۳/۰۰	۱۰	۵	۱۰	۷/۶۲	۱۰	۱۳۶۸	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	۱۳۶۸-۸۰	حداکتر	حدائق
ذرت دانهای	۱۰۰۵/۱۰	۱۰۰۵/۱۰	۱۰	۰	۱۰	۳/۰۸	۱۰	۱۳۶۸	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	۱۳۶۸-۸۰	حداکتر	حدائق
برنج نیمه سفید	۱۰۰۶/۳۰	۱۰۰۶/۳۰	۱۰	۵	۱۲	۸/۱۵	۱۲	۱۳۶۸	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	۱۳۶۸-۸۰	حداکتر	حدائق
توتون	۲۴۰/۱/۳۰	۲۴۰/۱/۳۰	۲۴۰	۱۰	۲۴۰	۸۱/۹۲	۲۴۰	۱۳۶۸	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	۱۳۶۸-۸۰	حداکتر	حدائق

مأخذ: نتایج حاصل از تحقیق

جدول شماره (۳). معادل تعرفه‌ای ویژه و ارزشی منتخبی از محصولات کشاورزی طی سالهای ۱۳۶۸-۸۰

شرح کالا	HS	BTN	معادل تعرفه‌ای ویژه (ارز، کلوگرام)													
			۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	حدائق	معادل تعرفه‌ای ویژه (ارز، کلوگرام)							
پياز			۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر
سیبزمینی			۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر
جای	۰۹۰۲/۴۰	۰۹۰۲/۴۰	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر
فلفل	۰۹۰۴/۲۰	۰۹۰۴/۲۰	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر
گندم سخت	۱۰۰۱/۱۰	۱۰۰۱/۱۰	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر
جو	۱۰۰۳/۰۰	۱۰۰۳/۰۰	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر
ذرت دانهای	۱۰۰۵/۱۰	۱۰۰۵/۱۰	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر
برنج نیمه سفید	۱۰۰۶/۳۰	۱۰۰۶/۳۰	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر
توتون	۲۴۰/۱/۳۰	۲۴۰/۱/۳۰	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر	۱۳۶۸-۸۰	۱۳۶۸	حدائق	حداکتر

مأخذ: نتایج حاصل از تحقیق

۷- جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی

مقاله حاضر از هفت قسمت تشکیل شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که:

- ۱- سیر تحولات سیاست تجاری کشاورزی ایران طی سالهای ۸۱-۱۳۶۸ گویای آن است که؛ اصلاحات در سیاست تجاری کشاورزی ایران در دو برنامه اول و دوم توسعه تدریجی و بسیار کند و اما در برنامه سوم توسعه اصلاحات

مناسبی در آن صورت پذیرفته است. کلیه موانع غیر تعرفه‌ای اعمال شده بر واردات محصولات کشاورزی را می‌توان به دو دسته از موانع غیر تعرفه‌ای موجه منطقی و غیرموجه مشمول حذف تقسیم نمود. موانع غیر تعرفه‌ای غیرموجه تحت شمول حذف را در تجارت خارجی کشاورزی ایران به مواردی نظیر مجوزها، ممنوعیتها، واردات منوط به خرید داخلی، واردات در مقابل صادرات، تخصیص ارز با نرخهای متفاوت، بررسی قیمت، نوع بسته‌بندی، رفتار تبعیض آمیز، زمان و محل ورود و... مصداق دانست و حال آنکه موانع غیر تعرفه‌ای موجه منطقی به مواردی نظیر محدودیت کیفی، بهداشتی، قرنطینه‌ای، زیست محیطی، فنی و... اشاره کرد. در یک ارزیابی کلی کمابیش بسیاری از موارد موانع تجاری غیر تعرفه‌ای فوق‌الذکر بر واردات برنج مصداق دارد.

۲- هرچند موانع تجاری غیر تعرفه‌ای اعمال شده بر واردات محصول برنج ایران در ظاهر با هدف حمایت از تولیدات داخلی اعمال می‌شود، اما اساساً نه تنها حمایت تجاری معنی داری از تولیدات داخلی تا چند سال پیش نبوده بلکه مالیات پنهانی نیز قلمداد می‌شود. چرا که مطابق نتایج به دست آمده از محاسبه معادل تعرفه‌ای موانع غیر تعرفه‌ای اعمال شده بر واردات برنج، متوسط سالانه معادل تعرفه‌ای واردات آن محصول برای دوره ۸۰-۱۳۶۸، ۷/۲۸- درصد محاسبه شده که نشان می‌دهد علی‌رغم اعمال انواع محدودیتهای تجاری بر واردات آن محصول، از تولید داخلی آن محصول حمایت تجاری بعمل نیامده است. معادل تعرفه‌ای واردات آن محصول طی دوره از ۲۸/۵۵- درصد در ابتدای دوره (۱۳۶۸) به ۵۰/۹۶+ درصد در ۱۳۸۰ رسیده و بدین ترتیب در سال ۱۳۸۰ از تولید داخلی آن به میزان ۵۱ درصد حمایت به عمل آمده است. بدین ترتیب، معادل تعرفه‌ای ویژه سال ۱۳۶۸ برای واردات هر کیلوگرم برنج، رقم ۱۷۲- ریال معادل تعرفه‌ای ویژه به دست آمده که رقم آن در سال ۱۳۸۰ به ۱۱۱۰/۱۵ ریال به ازای هر کیلوگرم واردات تغییر یافته است.

۳- تحلیل روند سیاست تجاری کشاورزی ایران طی سالهای (۸۰-۱۳۶۸)، گویای آن است که سیاست تجاری کشاورزی ایران مناسبتر شده و حمایت تجاری منطقی از محصولات کشاورزی به خصوص برنج فراهم آمده است (چرا که معادل‌های تعرفه‌ای موانع غیر تعرفه‌ای محاسبه شده برای این محصول طی دوره (۸۰-۱۳۶۸) بهبود چشمگیری مشاهده می‌شود که سکایت از حمایتگرایی تجاری مناسبتر از طریق اصلاح مبنای تعرفه گمرکی (حقوق گمرکی و سودبازرگان)، کاستن از تعدد مجوزهای وارداتی و ممنوع‌الورود و انحلال یا ادغام موسسات تجاری دولتی دارد.

۴- در بهبود و منطقی‌شدن سیاست تجاری کشاورزی، متغیرهای زیرتاثیر مستقیم و مثبتی داشته‌اند:
اول اینکه قیمت نسبی عمده فروشی داخلی یا قیمت تضمینی محصول برنج وارداتی رو به افزایش گذاشته و متعاقب آن، معادل تعرفه‌ای محاسبه شده برای واردات آن محصول نیز افزایش یافته است؛
دوم اینکه، رابطه‌ای معکوس بین قیمت سیف وارداتی به دلار و معادل تعرفه‌ای محاسبه شده برای برنج وارداتی کشور وجود دارد؛ بعبارتی با کاهش قیمت سیف وارداتی، معادل تعرفه‌ای محاسبه شده برای آن رو به بهبود گذاشته است؛
وبالاخره متعاقب گران‌تر شدن ارز، معادل تعرفه‌ای ارزشی (به درصد) نیز رو به نقصان گذاشته است.
باتوجه به یافته‌های پژوهشی فوق، توصیه‌ها و پیشنهادات زیرارائه می‌شود:

- ۱- بررسی روند حمایت از کشاورزی در کشورها نشان می دهد شاهد تحولاتی در نوع حمایتها هستیم و عمدتاً از حمایتهای نوع بد (که شامل تعهدات کاهش می شوند) به حمایتهای نوع خوب (که معاف از تعهدات کاهش هستند) گرایش پیدا می کنند. بر این اساس لازم است در عرصه حمایت از بخش کشاورزی ویژه برنج در کشور نیز چنین ملاحظاتی مدنظر قرار گیرد و توجه بیشتری به حمایتهای جعبه سبز صورت گیرد. در این صورت حتی می توان با افزایش حمایت از برنج عملاً از دامنه تعهدات کشور در صورت الحاق به WTO کاست.
- ۲- طی چند سال ۸۰-۱۳۷۷ از تولید داخلی برنج حمایت تجاری مناسبی صورت نگرفته و اما پیوسته روبه بهبود نهاده است. مطابق نتایج بدست آمده از تحقیق با حذف موانع تجاری غیر تعرفه ای پیشنهاد می شود که برای محصول برنج وارداتی که معادل تعرفه ای کلیه محدودیتهای تجاری مثبت و بیش از کل موانع تعرفه ای (حقوق گمرکی و سودبازرگانی) است، نرخ تعرفه وارداتی برای این محصول همان نرخ تعرفه معادل محاسباتی است.^۱
- ۳- به علاوه به منظور اصلاح و کارآمدتر کردن سیاست تجاری کشاورزی ایران، هماهنگی دیگر سیاستهای کلان و کشاورزی ویژه سیاست ارزی و قیمتگذاری محصولات کشاورزی با آن اجتناب ناپذیر است.
- ۴- گرچه نگاه سیاستگذاران در کشور به بخش کشاورزی نگاه حمایتی است، ولی مشاهده می شود که در حمایتهای تجاری مثبت در عمل برای بسیاری از محصولات کشاورزی اعمال نشده است. حداقل اقدام لازم در این زمینه آن است که حمایت تجاری منفی از محصولات کشاورزی را حذف و به حمایت مثبت تجاری تغییر داد.
- ۵- صیانت از منافع بخش کشاورزی در دنیای امروز محدود به یک یا دو نوع ابزار سیاست حمایتی نیست بلکه ابزارهای مختلفی برای حمایت و حفاظت از کشاورزی وجود دارند، اما در کشاورزی کشور کمتر با این ابزارها مواجه هستیم. در دنیای فعلی در کنار آزادسازیهای تجاری موضوع حفاظتها مطرح شده و در قالب قوانین و اقدامات حفاظتی و قوانین و اقدامات ضد دامپینگ خود را نمایان کرده است، اما در عرصه داخلی اقدام ثمر بخشی در این زمینه ها صورت نگرفته است. پیشنهاد می گردد اقدامات حفاظتی و ضد دامپینگ به صورت جدی در نظام تجاری کشاورزی پیگیری شوند.
- ۶- نکته پایانی اینکه، سیاست تجاری کشاورزی کشور ضمن واپس بردن متوازن از حفظ حمایت توسعه ای و منطقی لازم از تولید برنج از شیوه های اقتصادی تولید از جمله کاهش هزینه تولید، بهبود کیفیت تولیدات، رعایت استانداردهای بین المللی، روزآمد نمودن فناوری در فرایند تولید و صنایع تکمیلی آن و... اهتمام ویژه ای به عمل آورد.

^۱ - نرخ تعرفه برای محصولاتی که معادل تعرفه ای مثبت و اما کمتر از کل مولف تعریفه ای (حقوق گمرکی و سود بازرگانی) اسمی است. نرخ تعرفه وارداتی برای این محصولات، همان نرخ تعرفه گمرکی (جمع حقوق گمرکی و سود بازرگانی) است.

۸- منابع و مأخذ

الف- منابع فارسی

- ۱- آرام، غلامحسین. (۱۳۷۸). فرهنگ گمرک و تجارت. نشر قبله (شرکت چاپ و نشر بازرگانی) چاپ اول، تهران.
- ۲- اداره کل مقررات صادرات و واردات وزارت بازرگانی (۸۱-۱۳۳۸)، مقررات صادرات و واردات و جداول ضمیمه آنرا براساس سیستم هماهنگ شده توصیف و کد گذاریهای کالا، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران.
- ۳- حسینی، میرعباس... (۱۳۷۵)، تأثیر سیاستهای ارزی و تجاری بر انگیزش نسبی تولیدات کشاورزی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران. شهریور ۱۳۷۵. تهران.
- ۴- (۱۳۸۳). سیاست تجاری کشاورزی ایران و تعیین معادل تعرفه‌ای واردات محصولات آن. پژوهشنامه بازرگانی. مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی. شماره ۳۲. صص ۱-۴۰
- ۵- ژیان، کارلو گاندولفو. (۱۳۸۰)، تجارت بین الملل. مترجمان: تقوی، مهدی و محمدی، نیمر. پژوهشکده امور اقتصادی، تهران.
- ۶- سالواتوره، دومینیک. (۱۳۸۰). نظریه‌ها و سیاستهای اقتصاد بین الملل. مترجم: حمیدرضا، اریاب. نشر نی چاپ دوم. تهران.
- ۷- کفرانی، تجارت و توسعه سازمان ملل (UNCTAD) و سازمان جهانی تجارت (WTO). راهنمای تجاری دور آروگونه (۱۳۷۵). موافقتنامه راجع به کشاورزی. مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- ۸- کیمیجانی، اکبر و همکاران (۱۳۸۰)، مقررات دسترسی به بازار محصولات کشاورزی در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت و اثرات آن بر اقتصاد کشاورزی ایران. مؤسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی. تهران
- ۹- گمرک ایران، (۸۰-۱۳۳۸). سالنامه بازرگانی خارجی ایران، تهران.

ب- منابع انگلیسی

۱۰. APEC, 1999. Definition of Non-Tariff Measures. Sec 4. In: Study of Non – Tariff Measures in the Forest products Sector, pp: 18-20.
۱۱. Anderson, James.E. and Neary, Peter. Measuring the Restrictiveness of Trade Policy. World Bank Economic Review May 1994. 8(1)
۱۲. Caballero, J.M., Calegar, G., and Cappi, C., 2000. Instruments of protectic and their economici impact, Module 3. Introduction and General Topics, 21 pages.
۱۳. Elamin, X/H. 2000, Market Access: Tariffs and other Access Terms, Module 4, Agreement on Agriculture, 13 Pages.
۱۴. GATT (1993), Modalities for the establishment of specific binding undre
۱۵. Gwartney, J. Lawson, R. 2001. economic Freedom of the world. Draft, Non for Qutation. Chp 1. Annual Reports, 20 Pages.
۱۶. <http://www.world Bank.org> or <http://www.world Bank.org/Wdi2000>
۱۷. Hillman, J.S. 1996. Nontariff Agricultural Trade Barriers revisited, International Agricultural Trade Research Consortium, WP 96-2, PP: 1-52
۱۸. Ingco, M.D., (2201) "Tariffication in The Uruguay Round: How much liberalisation?" World Economy, Vol. 19
۱۹. Low, p. and Years, a. "Nontariff Measures and Developing Countries; has The Uruguay Round Leveled the plying field?, World Econmy, Vol. 18, No. 1, 1995
۲۰. Moschini, G., 1991. Economic issues in tariffication: An Overview, GATT Research paper 90-GATT4, July 1991,
۲۱. Sumner, D.A. (1992), The economic underpinings of Uruguay Round proposals, improving agricultural trade performance under the GATT (Wissenschafts verlag vauk kiel KG).
۲۲. Walter, I. (1992), Non Tariff Protection among Countries: Some perliminary empirical evidence, Economic International, Vol. 25
۲۳. WTO. 1994. Agreement on Agriculture. www.WTO.org/english/docs-e//egal-e/14-ag.pdf